

این آمارها را کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری بخوانند

میراث روحانی برای دولت ۱۴۰۰



مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ با شعار تدبیر و امید، رئیس‌جمهور ایران شد. وی در محافل مختلف به این موضوع اشاره داشت که مسائلی و مصائب ایران به‌ویژه در حوزه اقتصادی عمدتاً به‌واسطه سوءمدیریت‌های دولت وقت رخ داده است. روحانی مدعی بود اگر وی به پاستور راه یابد، برنامه‌هایی برای مقاطع ۱۰۰ روزه، یک‌ساله و چهارساله در نظر گرفته که مردم ایران به همان یارانه ۴۵ هزار تومانی هم نیاز نداشته باشند. وی گرچه توانست با تحمیل رکود سنگین به اقتصاد ایران و همچنین تزیق فیزیکی مقادیر قابل توجهی ارز به بازار، تا حدودی جلوی افزایش نرخ ارز و همچنین تورم را در دولت یازدهم بگیرد و با خوش بینی ای که به سرنوشتش درجام داشت، درنهایت در دوره دوم نیز نامزد پست ریاست جمهوری شد؛ اما این بار وضعیت فرق می‌کرد و آن‌طور که وی پیش‌بینی کرد و وعده داد، روزگار وفق مراد وی نشد. گرچه در دوره قبل ناکارآمدی‌های دولت پشت رکود اقتصادی و تزیق فیزیکی مقادیر زیادی نرخ ارز به بازار پنهان ماند، اما خیلی زود اولین ترکش‌های ناکارآمدی در دولت دوازدهم بروز کرد. با تغییر دولت در آمریکا و پس از آن با خروج دونالد ترامپ از برجام، همه ناکارآمدی‌های دولت روحانی یک‌به‌یک آشکار شد. فروش ۶۲ تن ذخایر طلا برای جمع‌آوری نقدینگی از سطح جامعه، اعطای بی‌حدوحصر ارز دولتی به همه فعالیت‌های ضروری و غیرضروری در سال ۹۷، عدم نظارت بر توزیع ارز دولتی و... مسائلی بودند که دولت را خیلی زود در منگنه گذاشتند. در کنار این موارد، خوش بینی بیش از حد به غربی‌ها و عدم افزایش سطح تعاملات با کشورهای همچون روسیه و چین و کشورهای تحت تحریم در آمریکا تا لاین‌مسواک دیگری بودند که با کم‌توجهی به کالاهای دوزخن همراه شدند و خنثی‌سازی تحریم‌ها را نیز بسیار دشوار کرد؛ اما موضوع به همین جا ختم نشد، بی‌توجهی به ساخت‌وساز، کاهش سرمایه‌گذاری، رشد منفی اقتصادی، افزایش سرسام‌آور قیمت کالاهای اساسی، کوچک‌شدن سفره خانوار و... مصائب دیگری هستند که در این دوره به ملت ایران تحمیل شده‌اند. مشکلات و مصائب به‌حدی بوده که حتی جناح سیاسی حامی روحانی نیز حاضر نیستند از وی حمایت کنند. بر این اساس، کار دولت بعدی چندان آسان و انتباهات در میراث‌دار مشکلاتی است که کاندیداهایابیدر مبنای واقعیت‌ها، وارد گود انتخابات شوند تا باز یک ۴ سال ۸ سال زبان‌بار، به ایران و ایرانی تحمیل نشود.

۱۱۱

سقوط سرمایه‌گذاری به مدار منفی ۶

سرمایه‌گذاری پایین و اندک در مباحث اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع توسعه مطرح شده و عملاً رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه امکان‌پذیر نخواهد بود. از سویی دیگر، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد به‌شدت رها شده و به‌ویژه در بهره‌وری، افزایش صادرات، تشکیل سرمایه‌انسانی و خلق فناوری کمک می‌کند و همچنین یکی از زمینه‌های جهش تولید است. به‌رغم اینکه در قانون برنامه ششم، رشد سرمایه‌گذاری به‌میزان متوسط سالانه ۲۱ درصد هدف‌گذاری شده، بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد اقتصاد کشور در زمینه سرمایه‌گذاری به‌ویژه در دهه ۱۳۹۰ بسیار نامطلوب بوده، چرا که نگاهی به آمار تشکیل سرمایه ثابت موید این نکته است که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ دو روند بسیار متفاوت تجربه شده، به‌طوری که طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ روند سرمایه‌گذاری در ایران نسبتاً مناسب و سالانه حدود مثبت ۵ درصد بوده اما طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ این روند معکوس شده و نرخ تشکیل سرمایه ثابت سالانه طی این دوره به منفی ۶ درصد رسیده است. همچنین عملکرد نوسانی و نامناسب تشکیل سرمایه ثابت ناخالص باعث شده سرمایه‌گذاری در کشور به زحمت استهلاک سرمایه‌های ثابت را پوشش دهد. در ریشه‌یابی دلایل حجم اندک سرمایه‌گذاری وسیع نژولی سرمایه در کشور باید متذکر شد نبود ثبات در اقتصاد کلان و ازجمله تورم و التهابات در بازار ارز و دارایی‌های مالی موجب شده بی‌اطمینانی در سطح بالایی قرار داشته باشد، موضوعی که هرگونه انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور را از بین می‌برد و عملاً منابع به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصادی، با انگیزه سوداگرانه، روانه بازارهای دارایی می‌شود. مورد دوم اینکه اعتبارات عمرانی مهم‌ترین کانال حضور دولت یا بخش عمومی در فرآیند سرمایه‌گذاری کشور است و دولت روحانی تا جایی که توانست از سهم بودجه عمرانی کاسته و به‌بودجه جاری افزوده است. این اقدام موجب شده در دوره دولت فعلی حدود ۶۰ درصد از طرح‌ها در زمانبندی خود به اتمام نرسند. همچنین در دولت فعلی طول زمان اجرای طرح‌های عمرانی از ۱۰ سال در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ سال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است.

۸ سال با رشد اقتصادی صفر

آخرین گزارش بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) در ۹ ماه سال ۹۹ به عدد ۴۸۰ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به رقم مشابه سال قبل به میزان ۲/۲ درصد رشد نشان می‌دهد. همچنین رشد اقتصادی بدون نفت کشور نیز در ۹ ماهه سال جاری معادل ۱/۹ درصد برآورد شده است. با این وجود، رشد اقتصادی در سال ۹۲ در حدود ۲/۵ درصد بوده است که این مولفه برای سال ۹۸ در حدود منفی ۷ درصد ثبت شده است.

طبق آمارها، در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، اقتصاد کشور چهار بار با رشد منفی مواجه شده و در مجموع رشد اقتصادی را در هشت‌سال اخیر به حدود صفر رسانده است. این برای اولین بار است که در سه‌دهه اخیر چنین دوران طولانی رشد منفی اقتصادی در کشورمان به‌وقوع پیوسته است. پیش از دولت‌های دهم و یازدهم، شاهد وقوع رشد منفی اقتصادی برای سال‌های مختلفی بوده‌ایم اما دولت دوازدهم، بدترین رکورد را در این زمینه به‌جای گذاشته است.

رکورددار تورم در ۶۰ سال اخیر

حسن روحانی در دو دولت خود بارها بر کنترل قیمت‌ها تاکید و عنوان کرده که در تلاش است قیمت کالاهای اساسی را به قیمت تعیین‌شده با نرخ ترجیحی به‌دست مصرف‌کننده برساند و حتی در این مورد نیز ادعای موفقیت کرده است. رئیس‌جمهور همچنین در ابتدای دولت یازدهم بارها و بارها دولت‌های قبلی را بابت عدم کنترل تورم و مشقت‌بار کردن زندگی برای مردم مورد مواخذه قرار می‌داد و از رونق ایده‌آل برای اقتصاد کشور صحبت می‌کرد. اما طبق بررسی آمارهای سال‌های گذشته و سوابق آماری، دولت فعلی ایران به‌جز سال ۱۳۷۴ (دوره ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی) رکورددار نرخ تورم سالانه در ۶۰ سال اخیر یعنی از سال ۱۳۳۸ تا کنون بوده است. همچنین در بین دولت‌ها، دولت تدبیر و امید تنها دولتی است که در دوره نزدیک به ۸ ساله خود بالاترین رقم میانگین تورم (۲۳ درصد) را به ثبت رسانده است. نکته قابل تامل اینکه در یک اتفاق نادر، اقتصاد ایران در ۳ سال متوالی تورم بالای ۳۰ درصد داشته که در سال‌های ۹۷ و ۹۸ و اکنون در سال ۹۹ در حال رقم خوردن است. نقدینگی و پایه پولی ۲ متغیر پولی که عامل خلق این تورم نیز بوده‌اند طی این سال‌ها دستخوش تغییرات بی‌سابقه‌ای شده‌اند. براساس آمار در زمان روی کار آمدن دولت روحانی، حجم نقدینگی کشور حدود ۶۵۰ هزار میلیارد تومان بوده که با رشد ۵/۵ برابری به حدود ۳۳۰۰ هزار میلیارد تومان در ماه‌های اخیر رسیده است. پایه پولی نیز در بازه مذکور و تا پایان آذر سال جاری چهاربرابر شده و به ۴۰۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. این آمارها حاکی از کنترل نشدن کل‌های پولی و تورم از سوی دولت طی سال‌های اخیر است که قطعاً مدیریت آن به داخل کشور مرتبط است.

صعود ۷۰۰ درصدی دلار

در دوره هشت‌ساله دولت احمدی‌نژاد قیمت دلار در بازار آزاد ۲۵۲ درصد رشد کرد، درحالی که در دولت روحانی تا روز گذشته قیمت دلار با رشد ۷۰۰ درصدی از سه‌هزار تومان به ۲۴ هزار تومان به‌طور میانگین افزایش یافته است. علاوه بر افزایش نرخ ارز، در این دوره با پرنوسان‌ترین دوره قیمت دلار روبه‌رو بودیم، به‌طوری که دلار ۵۰۰ دامنه نوسانی را به‌صورت نموداری تشکیل داده است. این عملکرد در مقایسه با دولت‌های پیشین نیز بسیار فاجعه‌بارتر است، چرا که براساس آمار نرخ رشد ارز در ۸ سال دولت اصلاحات در حدود ۸۰ درصد و در هشت‌ساله سازندگی نیز ۲۷۰ درصد بوده است.

رکورد ۱۰ ساله شکاف طبقاتی در دست روحانی

توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند. برای سنجش وضعیت توزیع درآمد یک جامعه، از شاخص آماری ضریب جینی استفاده می‌شود که عدد آن بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمد) و یک (حاکمی) از نابرابری کامل در توزیع درآمد یا مخارج) است. براساس داده‌های مرکز آمار ایران، طی ۱۵ سال اخیر تغییرات ضریب جینی به این صورت بوده که مقدار عددی آن از حدود ۰/۴۲۴۸ در سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۸ به ۰/۴۰۹۹ رسیده و پس از آن با اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت یارانه نقدی این شاخص تا سال ۱۳۹۲ به ۰/۳۶۵۰ تقلیل پیدا کرده که بهترین مقدار عددی شاخص طی ۶ دهه اخیر بوده است. اما این وضعیت با کاهش ضریب اصابت هدفمندی یارانه‌ها افزایش هزینه‌های خانوار، به‌واسطه تورم‌های بالا و همچنین بی‌توجهی دولت به انجام اصلاحات اساسی در حوزه مالیات‌گیری و توزیع عادلانه درآمد، باز

اقتصاد

کاهش تسهیلات تولید به نفع سفته‌بازی

یکی از مولفه‌های مهم و اثرگذار در تحولات سرمایه‌گذاری و تقویت تولید، وضعیت و شرایط تسهیلات اعطایی بانک‌هاست. پرواضح است که تسهیلات بانکی اگر سر از بخش‌های مولد و همچنین زنجیره تولید در بیاورند؛ در رشد اقتصادی موثر خواهند بود. در سویی دیگر، اگر تسهیلات بانکی انحراف داشته باشد و بخوهد به بخش‌های غیرمولد سررازی شود، با افزایش نقدینگی و هجوم سفته‌بازان به بازارهای مختلف، فاجعه تورم‌های بالا سراغ جامعه و تولید خواهد آمد. به‌رغم اینکه بانک‌ها و بانک مرکزی ادعا می‌کنند بیشترین حمایت را از بخش مولد اقتصاد ایران کرده‌اند، اما براساس گزارش پیش محیط کسب‌وکار که اتاق بازرگانی به‌صورت فصلی منتشر می‌کند، عدم دسترسی به تسهیلات بانکی و موانع اخذ تسهیلات بانکی یکی از ۳ مولفه نامساعدکننده فضای کسب‌وکار از دیدگاه فعالان اقتصادی در کشور بوده است. شاید ادعای بزرگی باشد که بگوییم محل اصابت تسهیلات بانکی در ایران عملاً بخش غیرمولد است که بانک‌ها نیز خود با شرکت‌های اقماری و فعالیت‌های ناسالم در آن مشارکت دارند، اما بررسی آمارهای بانک مرکزی نیز تاحدی موبد این نکته است. برای مثال طی سال‌های ۹۲ تا ۱۰ ماهه امسال مجموع تسهیلات بانکی کشور درحالی با رشد ۳۰۹ درصدی از ۳۴۱ هزار میلیارد تومان به حدود ۱۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده که طی این مدت رشد تسهیلات بخش بازرگانی ۴۸۱ درصد، بخش خدمات ۳۴۳ درصد، بخش صنعت و معدن ۲۸۹ درصد، کشاورزی ۲۷۹ و بخش مسکن ۹۸ درصد بوده است. همچنین طی دوره دولت روحانی سهم بخش بازرگانی و خدمات از کل تسهیلات بانکی کشور به ترتیب از ۱۳ و ۲۷ درصد به ۱۸ و ۳۹/۶ درصد رسیده، سهم صنعت و معدن از ۳۱ درصد به ۲۹/۶ درصد تقلیل یافته، سهم کشاورزی از ۷ به ۶/۹ و سهم مسکن نیز از ۱۲ به ۵/۷ درصد کاهش یافته است. نمونه جالب‌توجه دیگر، روند اعطای تسهیلات کربنایی مصوب دولت و ستاد کروناست. آمارها نشان می‌دهد درحالی ستاد کرونا مقرر کرده ۷۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات کربنایی به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی اعطا شود ۰/۶ درصد فقط ۰/۰۰۰ درصد آن معادل ۴۲ هزار میلیارد تومان تخصیص داده شده است. این درحالی است که در سال جاری تسهیلات بانکی طی ۱۰ ماهه رشد ۹۴ درصدی داشته‌اند.

کاهش ۵۰ درصدی ساخت‌وساز

نوسانات قیمتی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی بخش مسکن در ایران است. در خصوص نقش عوامل مختلف بر قیمت مسکن، در کشورهای مختلف و از جمله کشورمان، محققان اقتصادی عوامل مختلفی را در این زمینه ذکر کرده‌اند که می‌توان همه آنها را در چهار دسته عوامل اصلی شامل سیاست‌های مالی، پولی، عوامل جمعیتی و عوامل سمت عرضه و تقاضا بررسی کرد. در کنار اثرگذاری شاخص‌های کلان همچون تورم و التهابات ارزی بر رشد قیمت‌ها در بخش مسکن، کاهش عرضه نیز بر تحولات این بازار موثر بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت روحانی در بین دولت‌های قبلی رکورد دار کاهش تولید و عرضه مسکن بوده است. براساس آخرین آمارهای ارائه شده، طی سال جاری در مجموع ۴۷ هزار واحد مسکونی مجوز ساخت گرفته‌اند. گرچه هنوز آمار ۱۲ ماهه نیاشده، اما با توجه به اینکه رکورد کمترین ساخت‌وساز در سال‌های قبل ۶۵ هزار و ۵۰۰ واحد بوده؛ بعید به‌نظر می‌رسد با آمار اسفند که معمولاً ۵ تا ۵ هزار مجوز می‌شود، بتواند به رقم قبلی برسد. بر این اساس تعداد ۴۷ هزار واحد مسکونی درج شده در پروانه‌های ساختمانی تهران در مقایسه با سال‌های گذشته، رکورد کمترین ساخت‌وساز سالانه در ۱۶ سال اخیر را به‌خود اختصاص خواهد داد. همچنین بررسی وضعیت استان‌های دیگر که آمارهای آنها تا پایان سال ۹۸ منتشر شده نشان می‌دهد تعداد واحدهای مسکونی درج شده در پروانه‌های ساختمانی طی سال ۹۲ تا ۹۸ در کل کشور از ۷۶۸ هزار و ۱۴۱ واحد در سال ۹۲ با کاهش ۵۰ درصدی به ۳۸۱ هزار و ۷۳۲ واحد در پایان سال ۹۸ رسیده است. این وضعیت در استان تهران کاهش ۷۰ درصدی، در خراسان رضوی کاهش ۶۵ درصدی، در البرز و اصفهان کاهش ۵۴ درصدی و در قزوین و خوزستان نیز کاهش ۴۴ تا ۴۵ درصدی را نشان می‌دهد. در سایر استان‌ها نیز این وضعیت چندان قابل وصف نیست.

رشد ۶۵۰ درصدی قیمت مسکن

در شاخص قیمت مسکن نیز بررسی داده‌های آماری (بانک مرکزی و وزارت راه و شهرسازی) نشان می‌دهد طی دوره دولت روحانی، در شهر تهران قیمت مسکن از متری ۲/۸ میلیون تومان در تابستان ۹۲ با رشد ۶۴۷ درصدی به ۲۸ میلیون و ۳۸۹ هزار تومان در پایان بهمن سال ۹۹ رسیده است. به‌عبارت دیگر، در دولت روحانی میانگین قیمت مسکن در شهر تهران در هر متر ۲۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان (سالی ۳/۳ میلیون تومان) افزایش یافته است. در همین زمینه گزارش می‌کند اخیراً منتشر شد، حکایت از آن داشت که زمان انتظار برای خرید مسکن در کشور به شرایط بحرانی خود رسیده و این مدت در شهر تهران حدود ۱۰۰ سال است. در ماه‌های گذشته «فرهیختگان» در گزارشی به مقایسه نسبت قیمت مسکن و قدرت خرید خانوارها در تهران و شهرهای جهان پرداخت که نتایج گزارش مذکور نشان می‌داد تهران پنجمین شهر گران جهان به لحاظ نسبت قیمت مسکن به درآمد خانوارهاست. وضعیت مذکور موید این نکته است که با فتح قله‌های جدید از سوی تورم و با کاهش قدرت خرید خانوارها، سرریز شدن بخش قابل توجهی از ساکنان کلان‌شهرها به حومه‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی و مسکن ناپایدار قابل پیش‌بینی است؛ موضوعی که می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی-اقتصادی بعدی باشد.

روحانی در بین طبقات متوسط به بالاست. فارغ از اینکه طرح بازار متشکل انرژی قابل اجرا بود یا خیر، نکته قابل تامل اینکه دولت روحانی در اغلب موضوعات اجتماعی-اقتصادی با جهت‌گیری طبقاتی که در موضوعاتی همانند یارانه‌ها، مالیات‌ستانی و بنزین و... داشته، علاوه بر اقدامات ضدتوسعه‌ای خود، سرمایه‌اجتماعی و اعتماد به مجموعه حاکمیت را خدشه‌دار کرده است.

سرمایه‌ای اجتماعی که با سقوط بورس پودر شد

شاخص کل بازار سهام از ابتدای سال ۹۷ تا به حال بازدهی حدود ۱۲۵۰ درصد را ثبت کرده است. این بازدهی درحالی است که اگر تمامی بازارهای دارایی اعم از سهام، مسکن، طلا و ارز را از آبان ۹۶ تا کنون رصد کنیم به بازدهی ۱۶ برابری بورس خواهیم رسید که حتی با فرودهای ۳ ماهه اخیر باز هم از دیگر دارایی‌ها جلوتر است. با همه اینها اما افت ۵۰ درصدی بازار سهام از اواخر مرداد ضررهای بسیاری را مخصوصاً متوجه تازه‌واردان و مبتدی‌ها کرده است. اگرچه مسئولیت زیان هر فرد ناشی از سرمایه‌گذاری با عدم سرمایه‌گذاری در بازار ای مثل بورس، متوجه خود اوست؛ کم‌اینکه سود حاصله نیز متعلق به خود اوست) اما مسئولیت تصمیماتی که تعادل بازار را بر هم بزند، قطعاً متوجه دولت است. دولت، به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور و معاونان ایشان با کمک مشاوران اقتصادی خود، رسانه و جلسات رسانه‌ای‌شان را تبدیل به صحنه‌ای کرده بودند که در آن بدون وا همه مردم را به بازار سهام دعوت می‌کردند و همین موجب ضرر بسیاری از سهامداران مبتدی شد. علاوه بر اینها با توجه به گمان‌هایی که نسبت به منفعت‌طلبی دولت در بازار سهام شکل گرفته، نه تنها امکان جذب سرمایه‌های سال‌های دیگر در بازار سرمایه وجود ندارد، بلکه همین حالا بازار در رکودی‌ترین وضعیت خود به‌سر می‌برد.

ارزش معاملات در بازار بورس درحالی در این روزها به حدود ۳ هزار میلیارد تومان رسیده که میانگین سال ۹۹ حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان است. حال مساله مهم این است که بورس با همه حوادث و فراز و فرودهایی که داشته، میزان حدود ۵۰ میلیون ایرانی است. وجود این جمعیت عظیم در یک بازار مالی برای دولت‌های بعدی هم فرصت است و هم تهدید. فرصت از این منظر که با سیاست‌گذاری درست در روند فعالیت بازار سرمایه، دولت می‌تواند از حملات سفته‌بازانه به بازارهایی مثل مسکن و زمین جلوگیری کند و تهدید از این منظر که از این به بعد سیاستگذار در ایران بدون توجه به سرنوشت بورس نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند، چرا که عملاً به‌رگونه تصمیم یا سیاست اشتباه اقتصادی، ۶۰ درصد از ایرانی‌ها به آن واکنش سریع نشان خواهند داد.

سفره‌هایی که خالی شدند

یکی از پیامدهای شگفت‌انگیز تورم و افزایش قیمت‌ها در دولت روحانی، کاهش قابل توجه مصرف کالاهای اساسی در خانوارهای کشور بوده است. براین اساس با رشد چشمگیر قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوار، سرانه مصرف کالاهای اساسی نیز به‌رغم اعطای ارز ۴۲۰۰ تومانی برای تولید این محصولات، کاهش قابل توجهی یافته است. از آنجا که بخش خوراک و اقلام اساسی خوراکی در کنار مسکن، مهم‌ترین هزینه‌کرد اقشار کم‌درآمد است، کاهش مصرف اقلام اساسی خوراکی بسیار نگران‌کننده خواهد بود و این نگرانی را به‌وجود می‌آورد که ممکن است خانوارهایی باشند که روزها و ماه‌ها به اغلب مواد غذایی مورد نیاز دسترسی نداشته باشند. در این خصوص، اخیراً مرکز آمار ایران بررسی‌هایی که درخصوص سرانه مصرف ۹ کالای اساسی شامل گندم، برنج، گوشت دام، گوشت پرندگان، ماهی و میگو، شیر و محصولات لبنی، روغن‌ها و چربی‌ها و قند، شکر و چای داشته، تصویر واقعی‌تری از سفره ایرانی‌های طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ ارائه داده است. نتایج این داده‌ها بسیار قابل تامل و نگران‌کننده است، به‌طوری که طی دوره دولت روحانی، سرانه مصرف گوشت طیور به‌ازای هر نفر ۲ کیلوگرم، شیر و محصولات لبنی ۹ کیلوگرم، روغن و چربی‌ها ۳ کیلوگرم، قند و شکر ۶ کیلوگرم، برنج ۵ کیلوگرم، گندم ۴ کیلوگرم و گوشت قرمز ۴ کیلوگرم کاهش یافته و ماهی و میگو نیز تقریباً در حال حذف کامل از سفره‌هاست.

هم روند صعودی به‌خود گرفته و تا سال ۱۳۹۷ به ۰/۴۰۹۳ و در سال ۱۳۹۸ نیز به ۰/۳۹۹۲ رسیده است که هر دوی این اعداد حکایت از شکاف طبقاتی نسبتاً بالا دارند. این ارقام حالا ایران را در رتبه ۸۸ جهان قرار داده یعنی ۸۷ کشور شکاف طبقاتی کمتری نسبت به ایران دارند. از افزایش قابل توجه ضریب جینی و به تبع آن نابرابری در دولت روحانی که بگذریم، بررسی‌ها نشان می‌دهد کاهش جزئی عدد ضریب جینی در سال ۹۸ هم نه تنها ناشی از اقدامات دولت برای کاهش نابرابری نبوده، بلکه به‌گواهی گزارش مرکز آمار ایران، این کاهش عملاً به‌واسطه کاهش قدرت خرید دهک‌های بالای درآمدی در نتیجه تورم بوده است، به‌طوری که در سال ۹۸ تورم ماهانه دهک اول ۱/۵ درصد و این میزان برای دهک دهم ۱/۸ درصد بوده است.

لجاجت ۷ ساله بر سر حذف یارانه ثروتمندان

زمانی که دولت احمدی نژاد قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را اجرا کرد، با اصلاحیه‌های مختلف، درنهایت تعداد یارانه‌گیران کشور در سال ۱۳۸۹ به ۶۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسید. این تعداد خود اوست؛ کم‌اینکه سود حاصله نیز متعلق به خود اوست) اما مسئولیت تصمیماتی که تعادل بازار را بر هم بزند، قطعاً متوجه دولت است. دولت، به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور و معاونان ایشان با کمک مشاوران اقتصادی خود، رسانه و جلسات رسانه‌ای‌شان را تبدیل به صحنه‌ای کرده بودند که در آن بدون وا همه مردم را به بازار سهام دعوت می‌کردند و همین موجب ضرر بسیاری از سهامداران مبتدی شد. علاوه بر اینها با توجه به گمان‌هایی که نسبت به منفعت‌طلبی دولت در بازار سهام شکل گرفته، نه تنها امکان جذب سرمایه‌های سال‌های دیگر در بازار سرمایه وجود ندارد، بلکه همین حالا بازار در رکودی‌ترین وضعیت خود به‌سر می‌برد.

استاد جهت‌گیری طبقاتی

یکی از حوادث تلخ دوره دولت روحانی، اتفاقات آبان ماه ۹۸ است. جدای از اینکه دولت روحانی چروا با چه نیتی طرح سهمیه‌بندی بنزین را (که از سال ۱۳۸۶ اجرا شده و نتایج مثبتی را به‌همراه داشت) در سال ۱۳۹۴ کنار گذاشت و مجبور شد در سال ۹۸ با تحمیل هزینه‌های گزاف، بساری کنترل مصرف اقدام به سهمیه‌بندی بنزین کند، در مرتبه بعدی نوع مواجهه رئیس‌جمهور با تبعات سیاسی و امنیتی و ضرر و زیان مالی و جانی که در آن روزها رخ داد هم بسیار قابل تامل است. وی در اظهارات عجیبی مدعی شد خودش هم روز جمعه (روز بعد از اجرای سهمیه‌بندی بنزین) متوجه شده چه اتفاقی افتاده است. البته موضوع به همین جا ختم نمی‌شود، در بین اقتصاددانان و متخصصان حوزه انرژی که منتقد نحوه اجرای طرح سهمیه‌بندی بنزین در آبان ۹۸ بودند؛ ۲ تن از اقتصاددانان مورد جعیمی را از آنچه در جلسه بین آنان و اعضای هیات دولت گذشته، نقل کرده‌اند. این ۲ اقتصاددان، علی مری و صادق الحسینی هستند. بنابر اظهارات آنان، تا قبل از اجرای سهمیه‌بندی بنزین در آبان ۹۸، اندیشکده‌های مختلفی به‌جای طرح بنزینی دولت، طرح بازار متشکل انرژی را به دولت پیشنهاد کرده بودند. براساس روایت این ۲ اقتصاددان از جلسه با برخی اعضای هیات دولت، «استدلال بی‌زننگه، وزیر نفت و برخی از اعضای هیات دولت این بوده که طرح مذکور (توزیع بنزین به‌ازای خدمت) و تشکیل بازار متشکل انرژی) یک بازتوزیع یارانه به‌نفع طبقات پایین است، درحالی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی دولت